

«نا»؛ تصویر کامل از سید محمد باقر صدر

خاندان صدر با سابقه‌ای نهصدساله از علم و اجتهاد، شخصیت‌های درخشان و برجسته‌ای در خود پرورانده و به جامعه‌عرضه کرده‌است که طی قرن‌ها در سه کشور ایران و عراق و لبنان درخشیده‌اند و در این میان برخی از آنان مانند

امام موسی صدر و پسرعمویش شهید سیدمحمدباقر صدر، چهره‌هایی استثنایی و خاص بوده‌اند و شهرت جهانی یافته‌اند. چند سال قبل وقتی تصویری از نصب مجسمه نیم‌تنه شهید سیدمحمدباقر صدر در یکی از مراکز علمی‌سیاسی بسیار مهم روسیه منتشر شد، بسیاری از مخاطبان فعال در فضای مجازی که تنها این نام را بر اتوبانی در تهران دیده بودند، با دیدن آن تصویر تعجب کردند و دچار شگفتی شدند، زیرا نمی‌دانستند که یک عالم مجاهد و شهید چگونه در فضای علمی خارج از ایران و عراق به چنین جایگاه و مقبولیتی رسیده‌است. متأسفانه -باید اعتراف کنیم- شهید سیدمحمدباقر صدر که با مظلومیت و مصیبتی دردناک،

زیر شکنجه‌های صدام به شهادت رسید، امروز هم بعد از ۴۰ سال همچنان مظلوم و غریب است. او که در سن جوانی از نظر علمی به آن موقعیت باورنکردنی و اعجاب‌آور رسید، از چنان قدرت فکری و ارتقای علمی برخوردار بود که می‌شد او را نایفه شرق و اسطوره علمی جهان اسلام معرفی کرد. دو کتاب «فلسفتنا» و «اقتصادنا» در همان سال‌های نخستین عمر او شهرت فراوانی در کشورهای مختلف برای وی رقم زد و پیشنهادهای وسوسه‌انگیزی برای مهاجرت و حمایت‌های مالی داشت.

وقتی کتاب مهم و پرآوازه او «الاسس المنطقیه للاستقراء» انتشار یافت، برخی مدعی بودند که ترجمه آن به زبان‌های خارجی می‌تواند بر پاره‌ای از دیدگاه‌های علمی در حوزه ریاضیات و منطق و علوم تجربی‌مادی اثر بگذارد و جریان‌ساز باشد، اما در همان نخستین قدم به‌دلیل پیچیدگی محتوا و مضمون فنی کتاب، هیچ‌کس از پس ترجمه انگلیسی‌اش برنیامد. آیت‌ا...خونی -استاد مؤلف - درباره این کتاب گفته بود تنها کتابی است که با اولین خوانش آن، چیزی درنیافتم و مجبور شدم دوباره آن را از ابتدا بخوانم.

وقتی هم با نگاه خاص و رویکرد متفاوت خود کتاب «الفتاوی الواضحه» را منتشر کرد، با چنان استقبالی مواجه شد که برخی جوانان اهل سنت اعلام کردند در مسائل شرعی‌شان به‌جای پیشوایان فقهی خود، به این عالم



حجت‌الاسلام محمد رضا آلری پژوهشگر دینی

تجفی مراجعه می‌کنند. او علاوه‌بر دغدغه‌های تأسیسی‌اش که در طرح بانکداری بدون ربا ظهور یافت و الگوی بسیاری از بانک‌ها در کشورهای مختلف شد و علاوه‌بر کوشش اجتماعی‌اش که در فعالیت‌های مختلفی چون راه‌اندازی مدارس و تشکیل حزب تمثیل پیدا کرد، تمرکزی جدی بر تدوین مبانی نظری رویکرد دین به جامعه داشت که فرصت جمع‌بندی و نشر آن را نیافت و تنها برخی شاگردانش، بعدها برگ‌هایی از یادداشت‌های اولیه او با عنوان «مجتمعا» را منتشر کردند. بقیه کتاب‌ها و آثار او نیز هرکدام داستان و ماجرابی دارند؛ از آنچه در حدود دوازده سالگی نوشته و بعدها به چاپ رسیده‌است تا برخی یادداشت‌های حساس باقی‌مانده از روزهای حصر خانگی قبل از شهادت تش .

زندگی عجیب و شخصیت خاص سیدمحمدباقر صدر، فارغ از همه حاشیه‌ها و حوادث بی‌شمار خود به‌تنهایی آن قدر اهمیت دارد که صدها کتاب از آن نوشته و ده‌ها فیلم از آن ساخته شود.

درمیان آثار معدودی که به زندگی و افکار او پرداخته‌اند، کتاب «نا» با بیانی دقیق و نثری هنرمندانه، بیش از همه در ارائه تصویری کامل و فراگیر از این دانشمند شهید، توفیق داشته‌است.

هم‌داستان‌هایی از دوران کودکی و تحصیل او را روایت کرده و هم با رتایی از فضای روابط عاطفی او با همسرش را در لابه‌لای طرح اندیشه‌ها و افکار بلند وی در پیش چشم خواننده قرار داده‌است.

هم علو طبع و بلندی همت والای او را در کرامت و عزت نفس به‌خوبی تصویر کرده‌است و هم مشقت‌های مارات‌بار زندگی ساده و فقیرانه‌اش را نشان داده و کسی را معرفی کرده‌است که در جایگاه مرجعیت و زعامت، بچه‌هایش حسرت خوردن میوه داشته‌اند و او به آنان که قدری پول توجیبی می‌خواستند تا بتوانند در مدرسه موز بخرند، می‌گوید:

آیا همه بچه‌های مدرسه شما موز می‌خورند؟ بهتر است شما همراه آن چند نفر اقلیت باشید که در زنگ تفریح، گرسنه می‌مانند.

در همین حال بی‌آنکه تلخی‌های زندگی و شهادت دردناک او و خواهر شهیدش، خواننده را آزار دهد، به‌نرمی و ظرافت از همه این دردها و مصیبت‌ها نیز می‌گوید و حتی آخرین صفحات کتاب را با لطافتی سوغتاک اما شوک‌همند به پایان می‌رساند.

عس‌های کم‌تر دیده‌شده از آن شهید به‌همراه شجره‌نامه خانوادگی و سال‌شمار زندگی او، از پیوست‌های کتاب هستند که در لابه‌لای صفحات، اطلاعات کامل‌تری را به خواننده منتقل می‌کند .

کتاب «نا» تنها روایتی از شخصیت و روزگار یک نفر نیست، حسرت‌نامه‌ای است از ناکامی‌های شرق و دردنامه‌ای است از روزگاری که ما در آن نفس می‌کشیم و تابلویی است از پرواز بلند یک روح آسمانی در میان فرورفتن‌های مکرر مردگان زنده‌نمای مفاک تیره‌ای که نامش را زندگی گذاشته‌ایم.

زین‌قادر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

نقطه ویرگول، بخش دوم

● نشانه نقطه ویرگول، نشانه مکنی بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه است. موارد استفاده از این نشانه، بسیار اندک است.

● به جای نقطه، پیش از جمله‌ای توضیحی و تکمیلی که به دنبال جمله قبلی آمده باشد؛ اما معنای جمله قبلی به خودی خود نیز کامل باشد:

● **مشک آن است که خود ببود؛ نه آن که عطار بگوید.**✔

ادامه دارد...

#زین‌قندپارسی

حدیث روز

زبان ترازوی سنجش آدمی است.

امام علی(ع)

۷۴٪ رطوبت هوا

۳°↓

۶°-

صبح ۱۳°-

ظهر ۱°

عصر ۲°-

شب ۳°-

اذان ظهر ۱۱:۱۷

غروب آفتاب ۱۶:۲۱

اذان مغرب ۱۶:۴۰

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۳

اذان صبح فردا ۴:۴۶

طلوع آفتاب فردا ۶:۱۴

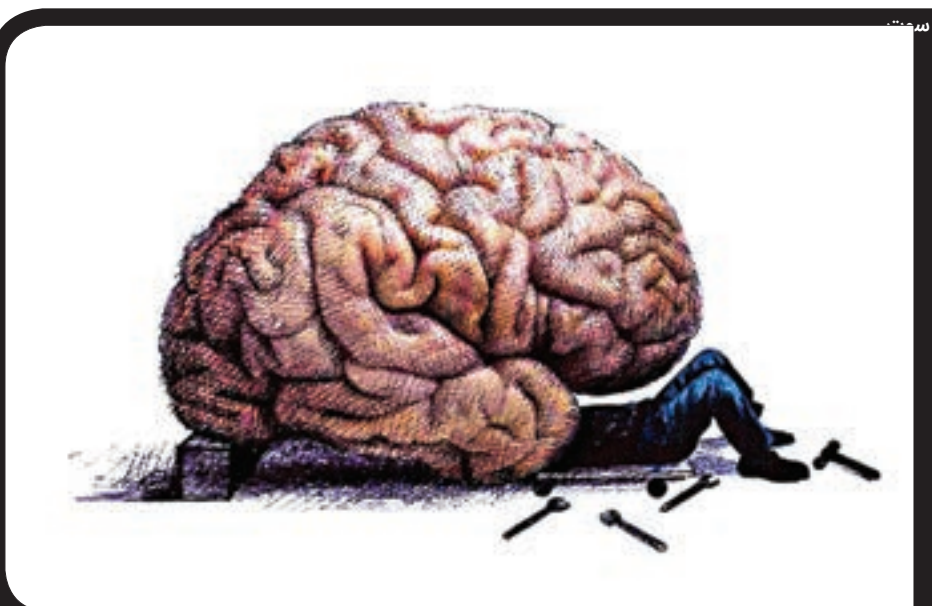
روزنامه شهر امید وزندگی

SHAHRARANNEWS.IR
۵شنبه
۵۲ صفحه۲۱صفحه۴۰صفحه ورزشی
۴۴ صفحه چهاره۲۴ صفحه شهرارامحله
۸ صفحه۷شنبه ۱شماره۳۲۵۳ ۱۰۰۰۰ تومان



میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir



مغزهای رنگ‌زده جان تازه می‌خواهند

در این روزهای سخت و کسالت‌بار که پریشان حالی از در و دیوار بر سرمرام می‌ریزد، کاش جایی بود آرام می‌گرفتیم. سرمرام را می‌شکافتند و مغزهای ورم کرده‌مان را درست و حسابی آچارکشی می‌کردند. دردهای ته‌نشین شده، پریشان حالی‌ها و واژگان مسمومی که مغزمان را میدان مین کرده‌اند، تخلیه می‌شدند. فکرهای گره خورده باز می‌شدند و به مغزهای رنگ زده‌مان جان تازه‌ای می‌دادند تا شاید سلول‌های خاکستری‌مان سبز شود و دیگر مغزمان از دردهای خاکستری سوت نکشد.

طرح از Gary Waters

کیوسک



جرمی برنارد

کوربین از

سیاست‌مداران

بریتانیاست

که از سال ۲۰۱۵

رهبری حزب

کارگر بریتانیا را

برعهده‌داشت.

سوم آوریل ۲۰۲۰

از این سمت

کناره‌گیری کرد و

جای خود را به

«کراسنارمر» داد. دوروزنامه کاردین و ایندپیندنت، دیروز از بازگشت او به حزب کارگری بریتانیا خبر دادند.



«زنان، پشت سد مردان» تیتیر گفت‌وگوی «اعتماد» با معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان، بود که روز گذشته به عنوان تیتیر و عکس یک در نخستین صفحه این روزنامه جای گرفت. ابتکار گفته است که شاخص انتصاب مدیران زن از حدود ۱۲درصد در سال ۹۶، به حدود ۲۳درصد و امسال به ۲۵درصد رسیده‌است.



اولین برف پاییزی مشهد



عکس روز

عکس: مسعودنوری



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر:
- سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان
- شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳ ۷ ۲ ۸ ۸ ۸ ۸ ۱
- نمابر: ۳۷۲۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۱۱۰
- شماره پیامک: ۲۲۸۹۰۳۰۰
- چاپ: شهر چاپ خراسان

آهسته‌تر خودمان را نابود کنیم

امیرمنصور رحیمیان

روزنامه نگار

مرگ نزدیک به ۵۰۰ نفر در روز بر اثر کرونا، شوخی است؟ به چند وقت پیش فکر کردم که بابا حالش خوب نبود. به‌ظاهر سرما خورده بود، یعنی خودش دوست داشت فکر کند سرما خورده است و دلیلش را هم می‌دانست: «برای اینکه زیر باران با موتور رفته‌ام به یک جای دور و سینه‌پهلو کرده‌ام.» ولی خب آدم که نمی‌تواند به خودش دروغ تحویل بدهد. خودش هم می‌دانست که سرما نخورده است. سرفه‌هایش خشک و کش دار، زیر سقف خانه می‌پیچید و دردی در قفسه سینه‌اش لول می‌خورد و در تمام اجزای بدنش تکثیر می‌شد، ولی ما، یعنی من و تمام اعضای خانواده‌مان، نمی‌خواستیم قبول کنیم که اتفاقی که تا دیروز فکر می‌کردیم فقط برای همسایه می‌افتد، روزی دامن ما را هم بچسبد. تمام هیمنه بابا زیر بار روانی اسم کرونا، شکسته بود. داشت فکر می‌کرد که اگر خود بیماری زورش به او نرسد، تنهایی تحمیلی‌اش، طاقتش را می‌جود. این خاصیت آدم‌هاست. همیشه دوست دارند فکر کنند همه چیز مثل سابق است و هیچ چیز تغییر نکرده است، در حالی که همه چیز در فرایندی بی‌رحمانه، در حال تغییر کردن است. اصلا قرارداد کار جهان بر تغییر بسته شده است. تغییر بهار به پاییز، تغییر درخشش آفتاب، به نور کم‌حال ماه و تغییر زندگی به مرگ. قرار شد من او را نزد دکتر ببرم. در مانگاه کوچکی را انتخاب کردم که همه چیزش کامل بود و فاصله زیادی با خانه پداری نداشت. تا آنجا بابا قدم زدیم، من به‌همراه پیرمرد کوچک ورنجور. خیلی وقت بود که بابا هم قدم نزنه بودیم. وقتی که کنار هم شروع کردیم به قدم زنن، از اینکه پدرم این قدر کوچک و پیر شده بود، شوکه شدم. دوست داشتم همان تصویر پنج، شش سالگی‌ام از قدم زدنمان در راه سینما در ذهنم بماند. قدش آن قدر بلند باشد که سیبل سیاهش را در ارتعایی بعید ببینم و انگشت بزرگش

کرونا و ضرورت نقش آفرینی «نیروی واکنش سریع رسانه‌ای»

غلامرضا بنی اسدی

جنگ که می‌شود، هر گروهی، براساس تخصص و توانی که دارند، باید برای خودشان نقشی، تعریف و با اجرای آن نقش به دفاع از کشور همت کنند. همان‌طور که در دفاع مقدس شاهد بودیم که همه اقشار پای کار بودند و براساس توان و تخصص خود کار می‌کردند. شاید در نگاه اول، میان یک تراشکار با جنگ نسبیتی نبینیم اما واقعیت آن روزها این بود که تراشکاران هم پای کار تولید ابزار دفاعی آمده بودند. خیلی‌های دیگر و با تخصص‌های دیگر هم. یعنی جنگ را جدی گرفتیم با همه ظرفیت‌ها. حالا همه جنگ است. پرتلفات‌تر از هر جنگی. داریم با همه وجود لمس می‌کنیم شرایط را. می‌بینیم کرونا، سوار بر اسب مرگ می‌تازد. می‌تازد ونیزه‌هایش را به هر سو پرتاب می‌کند. نه، اسب ونیزه و شمشیر مال قرن‌های قبل بود. کرونا مثل بمباران خوشه‌ای دارد زمین زندگی را شخم می‌زند. این را باید برای کسانی که هنوز جدی نمی‌گیرند اوضاع را، به‌صراحت تبیین کرد. این هم کار رسانه‌هاست. باید همه ظرفیت‌های رسانه‌ای در این زمینه فعال شوند. این از ضروریات هر جنگ است که در ساحت‌های مختلف «نیروهای واکنش سریع» داشته باشد. نیروهایی آماده و پای کار که در کمترین زمان، بتوانند نقش خویش را ایفا کنند. بر همین اساس، فکر می‌کنم برای مواجهه رسانه‌ای و تولید آگاهی و ارتقای شرایط روحی و آرامش روانی در برابر تازش کرونا، باید «نیروی واکنش سریع رسانه‌ای» تشکیل دهیم و «فوق‌العادگی شرایط» را به صریح‌ترین و حرفه‌ای‌ترین شیوه، به جامعه منتقل کنیم. باید جلوی چشم مردم بیابوریم شرایط را تا نخوانند از قلم من و دیگری، بلکه «ببینند» هولناک شرایطی را که گرفتار آنیم. باید ببینند که شنیدن و خواندن هرگز نمی‌تواند جای دیدن را بگیرد و رسانه باید این مأموریت را در نهایت صداقت و امانت به انجام رساند. رسانه در این ماجرا یک فهرست طولانی از «باید‌های حرفه‌ای» پیش‌رو دارد که سستی در هرکدام می‌تواند عمق فاجعه را بیشتر کند. مثلا اگر در هوشیارباش به جامعه، واژه کم بیابوریم و نتوانیم رسم الخط بهداشتی را حرف به حرف، تحریر کنیم، قطعا خسارت‌های سنگینی را جامعه متحمل خواهد شد که خبرهایش، پشت همه را خواهد لرزاند. «باید» جامعه را درباره واجب سلامت ماندن توجیه کنیم. باید ضمن ترویج و توسعه دادن نظری‌های کارشناسی، در برابر ترویج خرافات و آزمون دستورالعمل‌های خرافه، به جد با تولید هوشیاری، دفاعند کنیم. در قدم بعدی با تولید محتوای اقناعی، به کانون‌هایی که راه‌های غیرعلمی، پیش پای مردم می‌گذارند، هجوم بریم که فرماندهی جنگ، آفند و پدافند را توأمان برنامه‌ریزی می‌کند. نیروی واکنش سریع رسانه فقط در کف جامعه، متوقف نمی‌شود، بلکه هوشمندانه و ناظر به ظرفیت‌های ملی، به مطالبه‌گری از مسئولان همت می‌کند. همان‌طور که در جنگ، نقش ساختاری دارد حکومت و مردم ذیل این ساختار انجام وظیفه می‌کنند، در شرایط حاضر هم همین نقش، کامل‌تر از همیشه باید توسط نهاد حاکمیت، اعم از قوه مجریه و سایر قوا و دستگاه‌ها اجرایی شود تا بتوان به عبور از بحران با تلفات کمتر امید داشت. بازهم در این باره براساس تکلیف حرفه‌ای و دینی خود خواهیم نوشت.